

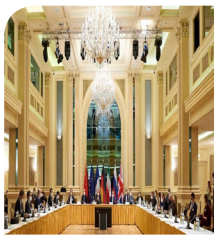
کوردستان

ارگان حزب محکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دموکراتیک و فدرال

شماره ۸۱۲ دوشنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۰، ۶ دسامبر ۲۰۲۱

www.kurdistanmedia.com



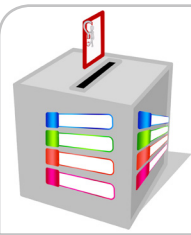
شکست دور هفتم مذاکرات
وین
به دلایل نامعلوم

۶



آموزش در سایه رژیم
ولایت فقیه

۵



آنچه بر ما می‌گذرد

۴

انفجار مراکز هسته‌ای و نظامی یا انفجار جامعه

سفن

تابلوها را
بشکنیم

کریم پرویزی

کلونیالیسم حاکم بر ایران، هر روز بیش از پیش به ملت‌های تحت ستم و استعمارشده ایران فشار آورده و سیمای واقعی ددمنشانه خود را بیشتر نمایان می‌کند. رئیس پلیس تهران طی مصاحبه‌ای با رسانه‌های رژیم اعلام کرده بود که نام کوردی، ترکی و لری و ... برای مغازه‌ها و مکان‌های تهران ممنوع است. سرهنگ نادر مرادی، رئیس پلیس تهران در گفتگو با خبرگزاری مهر گفت، نام کوردی، ترکی، لری و شمالی و ... نباید بر سردر مغازه‌ها و محلات تهران گذاشته شوند. رئیس پلیس می‌گوید این زبان‌ها، زبان محلی هستند و نباید در تهران بکار برده شوند و بایستی هرکدام در منطقه خود اجازه داشته باشند، مورد استفاده قرار گیرند! این که به گفته رئیس پلیس تهران، زبان‌های محلی! فقط باید در مناطق خود برای نام‌گذاری مغازه‌ها و مکان‌های عمومی مورد استفاده قرار گیرند پیداست که لطف بسیاری در حق این زبان‌ها کرده است! چرا که در کوردستان برای مثال، مسئولان رژیم اجازه استفاده از نام‌های کورد را نمی‌دهند و خیلی مواقع آنقدر بهانه‌تراشی می‌کنند که مردم را از نام‌های کوردی پشیمان کنند.

سیستم کلونیالیستی تحمیل شده طی یک قرن گذشته که با زور اسلحه و کشتار و ترور از زمان حاکمیت رضا میرپنج تاکنون بر این جغرافیا حاکم بوده، از هیچ اقدامی در راستای امحای ملت‌های تحت ستم در ایران دریغ نکرده و همه تفرقات هم این بوده که بجز زبان فارسی دیگر زبان‌ها را حذف و حل در گفتمان کلونیالیستی خود کنند.

ادامه در صفحه ۳



نتیجه آن مردم ایران بیش از پیش در بحران اقتصادی ایجاد شده، گرفتار می‌شوند. تاثیر دوم بر برنامه هسته‌ای رژیم بود که شبانه مرکز اتمی ایران در نطنز مورد حمله قرار گرفت و به گفته شاهدان دود همه آسمان منطقه را در پی آن فرا گرفت. از زمانی که خامنه‌ای گفت نه جنگ و نه مذاکره، وضعیت اقتصادی و هسته‌ای رژیم بیش از پیش بحرانی تر شده است.

بعد از اتمام دور نخست مذاکرات اخیر، طرفین برجام در مقابل رسانه‌ها به صراحت اعلام کردند که طرف ایرانی خواسته‌هایی را مطرح کردند که غیر قابل قبول و ناامید کننده هستند! و هدف کشتن وقت است. به دنبال انتشار خبر موفقیت آمیز نبودن مذاکرات، بازار و مراکز اتمی ایران متاثر از این خبر شدند! تاثیر مستقیم این خبر افزایش قیمت دلار در بازارهای ایران و تاثیر آن بر معیشت و گرانی کالاها بود و در

مذاکره شده و درصدد است که وانمود کند که این همان مذاکراتی که قبلا انجام می‌شد، نیست! بلکه چیزی دیگر است که بر خواسته از اراده ما است نه طرف‌ها مقابل! رژیم با تحریم مفهوم «مذاکره» اعلام کرده که تیم اعزامی ولی فقیه رفتند تا فقط امتیاز بگیرند و تحریم‌ها را بردارند، اما واقعیت این است که در مذاکره متقابلا باید طرف مقابل را با دادن امتیاز راضی نگه دارید، آن هم طرفی که در موضع قدرت است!

برای این که نشان دهد که از مواضع و تصمیمات خود عقب نشینی نکرده، نام مذاکرات را به مذاکرات برداشتن تحریم‌ها تغییر داده است!! بعد از خروج یک جانبه آمریکا از توافق برجام در زمان زمامداری «دونالد ترامپ»، خامنه‌ای گفت که نه مذاکره خواهیم کرد و نه جنگ، اما حالا تحت فشار جامعه جهانی و در نتیجه عمیق ترشدن وضعیت بحرانی اقتصادی پاسدارهای حافظش، راضی به

بعد از چند ماه وقت کشی و جواب ندادن به خواست جامعه جهانی، تیم چهل نفری ولی فقیه وارد شهر «وین» شدند تا به قول خودشان در مورد برداشتن تحریم‌ها گفتگو کنند. سران رژیم ایران همیشه تقلا کردند تا با تغییر بار معنایی مفاهیم و اصطلاحات استاندارد، وانمود کنند که آنها هستند که نقش تعیین کننده را دارند! در این دور نیز که مذاکرات بر سر پرونده هسته‌ای رژیم برگزار می‌شود، خامنه‌ای

پیام «مصطفی هجری» در رابطه با سخنان رئیس اقلیم کوردستان



**حزب دمکرات
کوردستان ایران
مسئول اجرایی
مصطفی هجری
۱ آذر ماه ۱۴۰۰
۲۲ نوامبر ۲۰۲۱**

در بخشی که مرتبط با حل مسئله کورد بود، بر اساس واقعیت‌هایی است که دارای پیشینه‌ای تاریخی می‌باشد و حل آن بخش مهمی از تامین امنیت و صلح در این کشورها می‌باشد که کوردستان میان آنها تقسیم شده است. این نقطه نظر مهم که در چنین جلسه مهمی از سوی رئیس اقلیم کوردستان ارائه شد، بخشی از سیاست و موضع همیشگی و رسمی ما در رابطه با حل مسالمت‌آمیز مسئله کورد بوده و به همین دلیل سخنان ایشان قابل تقدیر است.

«مصطفی هجری» مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران در رابطه با سخنان «نچيروان بارزانی» رئیس اقلیم کوردستان که در جلسه «امنیت خاورمیانه» در دھوک ارائه کرد، پیامی را منتشر کرد.

متن پیام به این شرح است:

سخنان آقای «نچيروان بارزانی» رئیس اقلیم کوردستان که در جلسه «امنیت خاورمیانه» در دانشگاه آمریکایی کوردستان در دھوک ارائه کرد در کل و به ویژه

سه تشکل سیاسی اپوزیسیون رژیم ایران: از اعتراضات مردم اصفهان و شهر کورد علیه فقر و بی‌آبی حمایت می‌کنیم

مردم برای نسلهای آتی در آن مناطق را با معضلی جدی مواجه می‌سازند. ما، تخریب محیط زیست در ایران را که حاصل سیاستهای نابخردانه و سودجویانه رژیم جمهوری اسلامی است، بشدت محکوم می‌کنیم و از مبارزات و اعتراضات مردم در اصفهان و شهر کرد عمیقاً حمایت می‌کنیم.

ما، مانعت علیه این روند ویرانگر در کشور را تنها در اعتراضات وسیع مردمی علیه سیاستهای ضد محیط زیستی جمهوری اسلامی جستجو می‌کنیم و تمامی ملیتها را به همبستگی و مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی فرامی‌خوانیم.

کنگره ملیتهای ایران فدرال شورای دموکراسی خواهان ایران همبستگی برای آزادی و برابری در ایران ۹ آذرماه ۱۴۰۰ - ۳۰ نوامبر ۲۰۲۱

و تعداد زیادی مجروح و دستگیر شدند.

معضل کم آبی و تغییر اقلیم با سیاست تبعیض آبی، فساد ساختاری و سوء مدیریت در جمهوری اسلامی همراه شده است و نه تنها کشاورزی و صنعت را به چالشی جدی کشانده است بلکه تامین آب مناسب شرب برای مردم نیز با بحران روبرو شده است.

بحران آب، فرونشست زمین، ریزگرد، بحران دریاچه ارومیه، بحران هوای پاک در کلان شهرها، خشک شدن تالابها و دهها بحران ریز و درشت دیگر بخشی از کارنامه زیست محیطی جمهوری اسلامی است.

دستگاه ناکارآمد دولت جمهوری اسلامی و مافیای آب برای بدست آوردن سوده‌های بیکران به سدسازیها و انحراف آب از بسترهای طبیعی به مناطقی چون صنایع آب بر فولاد، سرامیک، پتروشیمی و ... امکانات آبی کشور را بسوی زوال پیش می‌برند و امکان زیست

رژیم را به مناطق مختلف شهر اصفهان کشاند و به درگیری میان نیروی های یگان ویژه برای سرکوب مردم با معترضین انجامید. شلیک گلولهای ساچمه ایی به مردم، ضرب و شتم آنها در مناطق مختلف شهر گزارش شد.

استمرار اعتراضات مردم در ۳۰ آبان ماه با فوران اعتراض مردم شهر کرد به مشکلات معیشتی، بی آبی در آن به سرخط خبرها تبدیل شد. سیاست تبعیض آبی جمهوری اسلامی و رفتار مسبوق به سابقه این رژیم، مردم شهرکرد را نیز به وحشت انداخت و آنها نیز برای جلوگیری از انتقال آب سرشاخه‌های کارون دست به اعتراض زدند. در زمینه موضوع بحران آب، در روزهای پایانی تیرماه و اوایل مرداد ماه نیز اعتراضات گسترده ملت عرب و دیگر هموطنانمان نسبت به بی آبی، چه آب شرب و چه آب برای کشاورزی بیرحمانه سرکوب شد که در نتیجه آن تعدادی کشته

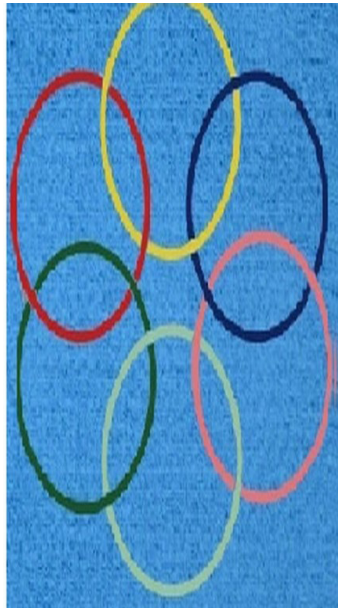


مصادره آن به عمل آورد، اما با «هو کردن» علی خامنه‌ای توسط معترضین، این تلاش رژیم بی‌نتیجه ماند و به واکنش‌های سرکوبگرانه وسیعتری علیه مردم در اصفهان راه برد. حمایت وسیع مردم اصفهان از اعتراض کشاورزان دامنه اعتراضات علیه



متن بیانیه به شرح زیر است: در دو هفته پایانی آبانماه، اصفهان شاهد تجمع اعتراضی بسیار گسترده کشاورزان برای حق‌آبه کشاورزی در بستر خشک زاینده رود بود.

تجمع اعتراضی که رژیم جمهوری اسلامی تلاش مذبوحانه ای برای



سه تشکل سیاسی اپوزیسیون رژیم ایران، «همبستگی برای آزادی و برابری در ایران، کنگره ملیتهای ایران فدرال و شورای دموکراسی خواهان ایران» طی بیانیه‌ای حمایت خود را از اعتراضات مردم اصفهان و شهرکرد علیه فقر و بی آبی اعلام کردند.

مراسم باشکوه سالیاد شاعر و نویسنده نامی کورد «جلال ملکشاه» با حضور هیات حزب دموکرات کوردستان ایران برگزار شد



کوردستان ایران را به خانواده گرامی «جلال ملکشاه» ابراز کردند.

این مراسم ویژه زیر نظر نخست وزیر اقلیم کوردستان و با حضور شماری از نویسندگان، روشنفکران، و نمایندگان ادارات حکومت اقلیم کوردستان و مبارزین و فعالین هر چهار بخش کوردستان برگزار شد. بعد از خواندن چندین شعر و پیام ویژه، نماینده حزب دموکرات دسته گلی را به نشان قدردانی تقدیم خانواده «جلال ملکشاه» کردند.

یکشنبه ۷ آذر ۱۴۰۰، بنا به دعوت رسمی «اتحادیه نویسندگان کورد - شاخه هملیز»، هیات حزب دموکرات کوردستان ایران با سرپرستی «محمد صالح قادری»، مسئول روابط کوردستانی حزب دموکرات کوردستان ایران، در مراسم سالیاد در گذشت شاعر و نویسنده نامی کورد «جلال ملکشاه» شرکت کردند.

در این مراسم یاد بود هیات نماینده‌گی حزب دموکرات پیام همدردی رهبری حزب دموکرات

نیزارهای «زربار» طعمه حریق شدند



اقدام می‌کنند.

دریاچه زربار مریوان دارای یک هزار و ۲۰۰ هکتار نیزار است که تاکنون و به علت آتش‌سوزی بیش از ۸۰ هکتار از این نیزارها طعمه حریق شدند.

فعالین زیست محیطی و ساکنین شهر مریوان علت آتش‌سوزی نیزارهای «زربار» را عامل انسانی و آن را به کس یا کسانی نسبت می‌دهند که وابسته به رژیم ایران هستند و در راستای سیاست‌های استعمارگرایانه رژیم

بر اساس ویدئوهای دریافتی از شبکه‌های اجتماعی ، نیزارهای دریاچه زربار در مریوان برای چندمین بار متوالی طی ماه‌های اخیر طعمه حریق و تاکنون بیش از ۸۰ هکتار از این نیزارها به دلیل آتش‌سوزی نابود شدند. آتش‌سوزی نیزارهای «زربار» چهارشنبه ساعت ۱۳ شروع و همچنان در حال گسترش است. به گفته فعالین زیست محیطی «مریوان» این آتش سوزی بزرگترین آتش سوزی است که تاکنون در دریاچه زربار اتفاق افتاده است تا جایی که این آتش سوزی به نیزارهای اطراف شهر مریوان نیز رسیده و بسیار خطرناک و نگران کننده است.



نابسامان رژیم ایران دلیلی بر راکد شدن خرید و فروش احشام شده ایلام وضعیت اقتصادی مناسب و پایداری ندارند. افزایش قیمت گوشت در بازار

سرکوبگر رژیم در حالی است که مردم کردستان و بخصوص استان ایلام

بر اساس اخبار منتشر شده نیروی سرکوبگر رژیم در شهرستان «دهلران» استان ایلام اقدام به ضبط دارایی مردم کرده است. فرمانده سرکوبگران رژیم در استان ایلام گفته است، که نیروهای این ارگان در اقدامی مزدورانه ۴۴ راس احشام مردم در این شهرستان را ضبط کرده‌اند.

او بهانه ضبط این ۴۴ رأس احشام را نداشتن هر گونه مجوز از اداره دامپزشکی رژیم اعلام کرده است. کارشناسان رژیم ارزش این احشام را صد میلیون تومان برآورد کرده‌اند.

این اقدام مزدورانه نیروهای

مشکلاتی که منجر به افزایش آمار خودکشی در ایلام شده است

که بزرگسالان و کودکان در شرایط جنگ رژیم ایران با عراق تجربه کردند، در روح و روان این مردم تاثیر گذاشته و هم اکنون عوارض خود را نشان می‌دهد. با وجود این که خودکشی در استان «ایلام» بالا است اما آمار دقیقی در این باره وجود ندارد و پزشکی قانونی، علوم پزشکی و بهزیستی رژیم از انتشار آمار سر باز می‌زنند.

فقدان نشاط اجتماعی و برخورداری مردم استان از مراکز تفریحی، رفاهی، ورزشی، گردشگری و مقوله‌هایی این چنینی و سوختن استعدادهای هنری به دلیل نبود سالن ویژه تئاتر و یا سالیی برای اجرای موسیقی که صدابرداری و امکان صداگذاری‌های حرفه‌ای در آن باشد از دیگر دلایل افسردگی و آمار بالای خودکشی در استان ایلام است. استرس و اضطراب‌هایی

که درآمدهای مالی بالایی دارند می‌توانند به مشاور مراجعه کنند. این روانشناسان تمرکز قدرت در ایران و عدم مطالعات و تحقیقات مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، علوم پزشکی، بهزیستی، آموزشی و پرورشی، دانشگاهی، کارو امور اجتماعی در کردستان را دلیل اصلی برای کاهش اقدام به خودکشی در استان «ایلام» اعلام کرده‌اند.

بدون دریافت دستمزد فقط به منظور رهایی از خانه و افسردگی خود را مشغول کنند گفتند، این جوانان در یک جایی به بعد خسته می‌شوند و تحت فشارها و استرس‌های عدم ایجاد شغل، رفاه و امنیت هستند و برایشان بیکار بودن و در خانه مانده سخت و خسته کننده است و از طرفی روان درمانی یک کار فانتزی و شیکی است که یک سری افراد

زیر زمینی را دارد، علت بیکاری در این استان را عدم سرمایه گذاری به بهانه مرزی بودن و فقدان زیرساخت‌های لازم برای به اجرا درآمدن طرح‌های عمرانی و صنعتی در این استان دانستند. روانشناسان با بیان این که صدها جوان تحصیل کرده با مدرک دکترا در زمینه‌های مختلف به اداره آموزش و پرورش رژیم در این استان مراجعه می‌کنند و حاضرند

برخی از روانشناسان دلایلی از جمله بیکاری، عدم مراکز تفریحی و نشاط آورو همچنین اثرات جنگ تحمیلی را از دلایل اقدام به خودکشی مردم استان «ایلام» عنوان کرده‌اند. این روانشناسان با توجه به این که استان «ایلام» از جمله استان‌هایی است که بالاترین آمار تحصیل کرده‌های بیکار، پتانسیل‌های فراوان در حوزه گردشگری و منابع طبیعی و

برگزاری فعالیتهای زیست محیطی در مەریوان، دیۆلان و سهولآوا



شهرستان «کامیاران» به نام خود تمام کند. از سوی دیگر آموزشگاه موسیقی «فلارمونیکا» در شهر «مەریوان» دوره آموزشی زیست محیطی را برای کودکان این شهر برگزار می‌کند. در این دوره کودکان یاد می‌گیرند که از زیستگاه خود حفاظت و آن را دوست بدارند.

این دومین سال است که فعالیتی این چنینی تحت عنوان «زاگروسانه‌ی له‌یلاخ» برگزار می‌شود. از طرفی دیگرقرار بر این است که فعالین «سهولآوایی» با کشت بذر «بلوط» طی یک هفته ۶ هکتار از جنگل‌ها و مراتع این شهر را تحت کشت بذر بلوط قرار دهند و در این میان فرماندار این شهر در صدد است تا این فعالیت گسترده را همچون فرماندار

روز جمعه ۱۲ آذر ۱۴۰۰، گروه کوهنوردی «ناگر و زاگروُس» و همچنین سازمان اجتماعی «ژیار»، فعالیت‌های گسترده زیست محیطی را تحت عنوان «زاگروسانه‌ی له‌یلاخ» در دامنه «شاخه چەرموو» در منطقه «دیۆلان» انجام دادند.

در این فعالیت زیست محیطی فعالین، بذر گیاهانی همچون «که‌ما، لۆ و خاشه» را در دامنه «شاخه چەرموو» کاشتند.

با دخالت نیروهای امنیتی و انتظامی رژیم مراسم صدمین سالگرد

تولد استاد «حسن زیرک» به خشونت کشیده شد

مردم کورد دارند.

استاد «زیرک» در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در محله «قلعه سردار» شهر بوکان متولد و در ۵ تیر ۱۳۵۱ خورشیدی در ۵۱ سالگی و به علت سرطان کبد درگذشتند و بنا به وصیت خودشان در دامنه کوه «نالەشکینه» مشرف به بوکان به خاک سپرده شد.

زیرک» برگزار شد، نیروهای انتظامی و امنیتی مسقتر رژیم در شهر «بوکان» با دخالت در چگونگی و اجرای مراسم مانع برگزاری کامل مراسم شدند. به گفته کارشناسان موسیقی و آواز، استاد «حسن زیرک» بدون شک یکی از بهترین و تاثیرگذارترین هنرمندان کورد در دور معاصر بودند و با تولید صدها اثر ناب، جایگای ویژه در اذهان

روز یکشنبه ۷ آذر ۱۴۰۰، به مناسبت سالگرد تولد استاد «حسن زیرک»، هنرمند نام آشنای آواز کورد، مراسمی ویژه با حضور اقشار مختلف مردم در شهر «بوکان» برگزار شد.

به گزارش رسیده به وب سایت «کوردستان میدیا»، در این مراسم که با حضور دوستداران و هواداران فرهنگ و موسیقی کورد بر سر مزار استاد «حسن



داعش ابزاری در دست ایران برای برهم زدن امنیت اقلیم کردستان

کوردستان عراق انجام می‌دهد. سرلشکر«جبار یاور»، دبیرکل وزارت پیشمرگ دولت اقلیم کوردستان اعلام کرده است که طی ۱۰ ماه اول سال ۲۰۲۱ میلادی، تروریست‌های «داعش» ۲۰۶ عملیات تروریستی را در مناطق کوردستانی خارج از اداره حکومت اقلیم کوردستان عراق

طی سال جاری گروه تروریستی «داعش» در مناطق کوردستانی خارج از اداره دولت اقلیم کوردستان ۲۰۶ مورد اقدام تروریستی را انجام داده است. ناظران معتقدند که گروه تروریستی «داعش» این اقدامات را با تحریک و حمایت رژیم ایران و با هدف برهم زدن ثبات و امنیت اقلیم



از نیروهای پیشمرگ کوردستان بودند. رژیم ایران چه مستقیم و چه به واسطه نیروهای وابسته به خود، تقلا کرده تا بلکه بتواند تهدیدی جدی برای امنیت و ثبات اقلیم کوردستان باشد و به گفته ناظران رژیم ایران بزرگترین تهدید و دشمن ملت کورد در هر چهار بخش کوردستان است.

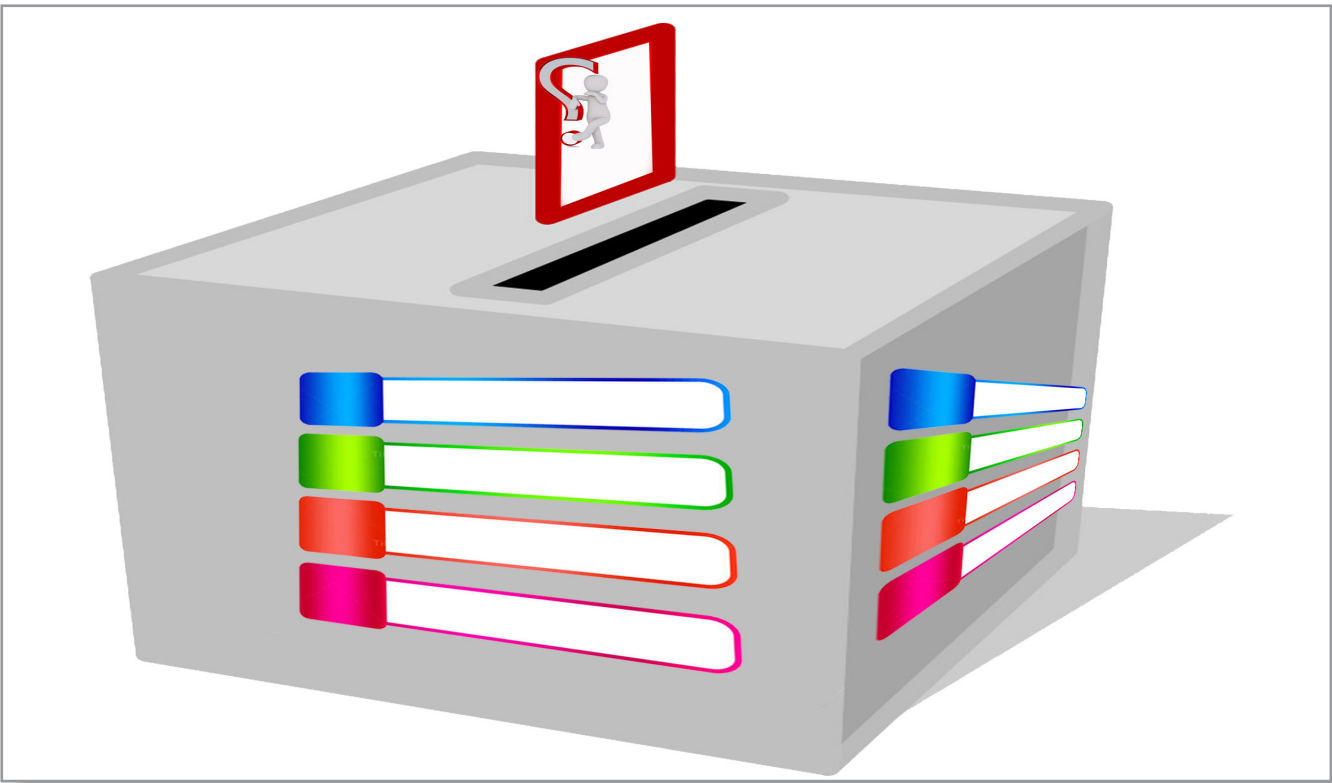
ادامه سخن

مسئله‌ای که از زبان رئیس پلیس تهران اعلام شده، فقط بخشی کوچک از سیاستی شوینستی و کلونیالیستی است که با هدف آسمیله‌کردن ملیت‌های غیرفارس اعمال می‌کنند.

در مقابل سیاست‌های رژیم حاکم بر تهران، ضروری است که ملیت‌های تحت ستم نیز با واکنش خود در برابر این سیاست‌ها ایستادگی کنند. در حال حاضر که رژیم این چنین و درمورد تابلو مغازه‌ها و مکان‌های عمومی سیاست‌های شوینستی را اعمال می‌کند، بهتر است که ملت‌های غیرفارس ایستادگی کرده و اجازه ندهند که هیچ تابلویی به زبان فارسی در سرزمینشان وجود داشته باشد.

وقتی که رژیم ایران مصمم است که نام‌های کوردی و ترکی و ... را از تهران و شهرهای فارس نشین ممنوع کند، بهترین موضع و عکس‌العمل این است که ملت‌های غیرفارس نیز در مناطق خود اجازه ندهند که از نام‌های فارسی برای مغازه و مکان‌های عمومی استفاده شود و آن را ممنوع کنند. بهتر است که جوانان با اراده با برگزاری کمپین‌هایی به میدان آمده و هر چه تابلو فارسی در سرزمین ملت‌های تحت ستم است را بشکنند.

آنچه بر ما می‌گذرد



کیوان درودی

نوشته را با نقل قولی از آقای اورتگای گست اندیشمند اسپانیایی آغاز می‌کنم؛ «ما نمی‌دانیم چه بر ما می‌گذرد و این، دقیقاً آن چیزی است که بر ما می‌گذرد.»

در ۴۳ سال اخیر جریانات سیاسی و احزاب مختلفی برای تغییر وضعیت موجود در ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی فعالیت داشته‌اند؛ با این وجود تاثیر آن‌ها به یک جنبش فراگیر برای گذار از وضعیت موجود منجر نشده است. بدیهی است که بسیاری از ما عبارت وضعیت موجود را به جمهوری اسلامی منتسب می‌کنیم، بلاشک جمهوری اسلامی یک عامل و شاید موثرترین عامل این وضعیت است، اما این حکومت نه یک روزه شکل گرفته و نه به تنهایی قادر به ادامه استیلای ۴۳ ساله خود بوده است. به عبارتی ما با یک موجودیت یا ساختار روبرو نیستیم، بلکه با یک پدیده به مراتب بزرگتر دست‌وپنجه نرم می‌کنیم.

مراد از تشکیل جریانات سیاسی، نه تحول شئون اخلاقی، زیستی و اجتماعی که «جابجایی قدرت» بوده است، پرواضح است که ما چنین مرحله‌ای را در ۵۷ تجربه کرده‌ایم، اما نتیجه چنان که می‌رهن است، گذار از وضعیت استبدادی را رقم نزد.

بنابراین پذیرش این واقعیت که ایجاد تحولی مثبت، مستلزم گریز از تمرکز بر جابجایی قدرت است، چندان سخت نیست. عقل سلیم می‌پذیرد که تحول‌های بنیادین به پیش‌زمینه‌هایی نیازمند است که عدم تکرار شرایط گذشته را تضمین و برساختن وضعیتی مطلوب را موید باشد.

از نگاه نگارنده، گذار از جمهوری اسلامی تنها یک مرحله از فرآیند گذار از وضعیت استبدادی است. البته قطعاً این سیاست، باید

باید آگاه باشیم که هیچ شخص، گروه، جریان و جمعیتی خارج از این چارچوب تعریف نشود.

چرا نمی‌دانیم چه بر ما می‌گذرد؟ آنچه از وضعیت کنونی ارائه می‌شود، گزارشی روزمره بر حسب معادلات سیاسی و منطقه‌ای است

نامیده شده، نیدیشیده عمل کرده‌ایم و بنیاد را بر جابجایی قدرت گذاشته‌ایم. حال اینکه تحول می‌بایست فراتر از چنین مقصودی باشد. با شروع هر اعتراضی جریانات مختلفی خود را به مثابه حامی آن معرفی می‌کنند، اما اقدامی

اینجاست که حوزه اندیشه اهمیت خود را به دست می‌آورد و ما به جای شرح وقایع، به تغییر آنچه روی می‌دهد؛ تغییر مسیر خواهیم داد.

لزوم این تغییر مسیر و ارائه سیاستی اندیشیده شده، تنها راه پیش رو است که ما را در کانال

دارند که از یک آدرس مشخص و منسجم دریافت شده باشد.

مع‌الاسف، عدم درک این موضوع باعث شده است که نگرش‌های گروهی و سطحی، عمق فاجعه را

لاپوشانی کند. البته این سیاست تبعات جبران‌ناپذیر دیگری را به موازات تداوم سلطه جمهوری

خود قلمداد می‌کند، خط‌مشی امنیتی توتالیتاریانیستی جمهوری اسلامی را پیگیری می‌کند و سیاستی که اخلاق مدارا و همبستگی تمامی اقشار و گروه‌ها را دربرنگیرد، جز ارضای عقبه خود، اقدامی برای تحول و گذار انجام نداده است.

با این توضیح باید روشن باشد که مراد نگارنده دوری جستن از سنت سیاسی حاکم بر ایران و بازآفرینی نقش تمامی شهروندان از هر طبقه، ملیت، زبانی باشد.

این نوع سیاست‌گذاری بر تهییج و تشجیع بنیان نهاده شده، فی نفسه اندیشه‌گریز و چه بسا اندیشه‌ستیز است. عموم مردم بدون نیاز به چنین اقداماتی برای تحقق مطالبات خود، عمل خواهند کرد.

پس وظیفه مخالفینی که خواهان یک آینده متعلق به همگان هستند؛ ایجاد یک آدرس سیاسی با اتکا به خواست و مطالبات مختلف برآمده از تمامی گروه‌های فکری، سیاسی، ملیتی و مذهبی است.

شاید بتوان گفت نمونه ورشکستگی آبی نمود بسیار روشنی از این وضعیت قهقرایی است. جایی که همه متضرر می‌شوند اما هرکدام صدایی غیرهمجنس برمی‌آورند. چنین شریطی، خلا الکویی سیاسی، مبتنی بر اندیشه‌پرزی و اخلاق‌مداری را آشکار می‌سازد. در چنین خلا بزرگی، امثال نمایندگان مجلس کارتونی حاکمیت، به عنوان مدعی‌العموم وارد عرصه می‌شوند و هریک، با جعل مقام نمایندگی، به مثابه مدافع حقوق مردم یک منطقه مواضعی اتخاذ می‌کنند. در حقیقت این همان جایی است که باید اپوزیسیون نقش خود درایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی را ایفا می‌کرد، اما متأسفانه کوچکترین نشانی از چنین عملکردی احساس نمی‌شود.

طبق برآوردها، این احتمال که نیمی از جغرافیای ایران، خالی از سکنه شود؛ بیش از هر زمان دیگری وجود دارد و این تهدید

می‌توان گفت عدم تشکیل یک جبهه فراگیر ناشی از همین عدم درک صحیح است. جریاناتی که از هم‌اکنون تئوری توطئه را به عقلانیت ترجیح داده‌اند، نه تنها شریک جرم حاکمیت هستند بلکه با ایجاد یک صدای مخالف کاذب، تصویری جعلی را از مخالفان ارائه می‌دهند. تصویری که در اذهان جامعه باقی مانده و به زودی از بین نخواهد رفت.

اسلامی در پی داشته است. نابودی محیط زیست و ورشکستگی آبی، افزایش میزان مهاجرت، اعتیاد، بیکاری و کاهش امید و از همه مهمتر تنازل و یا افول اخلاقیات از جمله تبعات چنین عملکردی است.

می‌توان گفت عدم تشکیل یک جبهه فراگیر ناشی از همین عدم درک صحیح است. جریاناتی که از هم‌اکنون تئوری توطئه را به

رسیدن به وضعیت مطلوب یاد شده قرار می‌هد. در حقیقت وظیفه اپوزیسیون شعار حمایتی نیست، بلکه فراهم آوردن امکانات یک همبستگی برای دستیابی به اهدافی فراگروهی است و دقیقاً در چنین نقطه‌ای می‌توان ظرفیت‌های جریانات را برای گذار از استبداد ارزیابی کرد. به عبارتی دیگر، زمانی که ما برای دستیابی به یک

در عمل صورت نمی‌گیرد. احتمالاً این موضوع، مسئله دادخواهی و مطالبه را به سوژه تبلیغاتی تقلیل می‌دهد. برای همین باید اعتراف کرد، اپوزیسیون جمهوری اسلامی برنامه‌ای برای نیل به «وضعیت مطلوب» در دست ندارد و به عبارتی ساده، به رویدادها چشم دوخته است. چنین رویکردی نه تنها موجب

و این تحلیل‌ها هر اندازه که دقیق باشند، ما را به درک درستی نخواهد رساند. چراکه مراد ما از وضعیت موجود منشا و زمینه وضعیت است و نه نموده‌های عینی آن. فی‌الواقع ما می‌خواهیم بدانیم این نموده‌ها که در قالب رویدادهایی مانند اعتراضات داخلی و نوع مواضع سیاسی حاکمیتی پدیدار می‌شود، چه خاستگاه‌هایی دارند. در حقیقت هدف معرفتی و

در حقیقت وظیفه اپوزیسیون شعار حمایتی نیست، بلکه فراهم آوردن امکانات یک همبستگی برای دستیابی به اهدافی فراگروهی است و دقیقاً در چنین نقطه‌ای می‌توان ظرفیت‌های جریانات را برای گذار از استبداد ارزیابی کرد. به عبارتی دیگر، زمانی که ما برای دستیابی به یک هدف، خارج از مقاصد صرف سیاسی خود، قدم برمی‌داریم، سطح اخلاقی سیاست خود را به اثبات می‌رسانیم.

با و بدون جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند. با این توضیح می‌توان گفت، بازی کردن در زمین حاکمیت و عدم ارزش‌گذاری درست و اندیشیده شده، یک فاجعه زیست محیطی و به تبع آن، یک فاجعه انسانی را به دنبال خواهد داشت.

ساده‌ترین و عقلانی‌ترین توصیه به اپوزیسیون‌نماها در چنین موقعیتی این است که به جای اشاعه تئوری توطئه و تداوم سیاست‌های جمهوری اسلامی، برای رهایی از این شرایط، برای یکبار، به ایجاد افقی روشن برای همگان در آینده، بیندیشند و حداقل اقدامی در جهت

عقلانیت ترجیح داده‌اند، نه تنها شریک جرم حاکمیت هستند بلکه با ایجاد یک صدای مخالف کاذب، تصویری جعلی را از مخالفان ارائه می‌دهند. تصویری که در اذهان جامعه باقی مانده و به زودی از بین نخواهد رفت. در واقع نبود اندیشه و اخلاق و تمرکز بر رویدادها برای جابجایی قدرت، این ذهنیت را - به درستی - ایجاد کرده است که مخالفان، تنها گروهی از حکام آینده هستند که پا جای پای حاکمیت کنونی می‌گذارند و این بزرگترین ضربه به تمامی ابعاد مبارزه در داخل و خارج خواهد بود.

اندیشه‌ای که موجودیت و حضور دیگری را به مثابه تهدید علیه

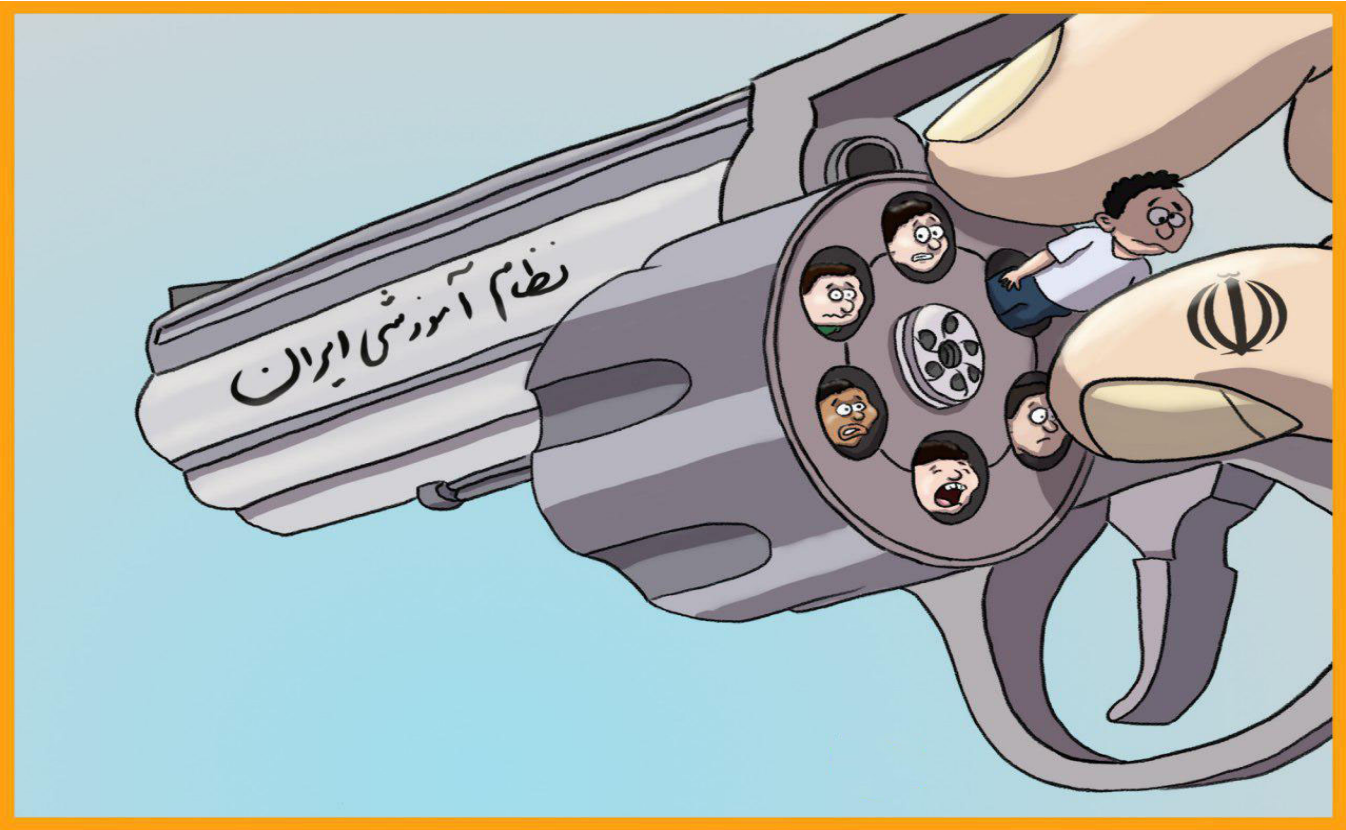
هدف، خارج از مقاصد صرف سیاسی خود، قدم برمی‌داریم، سطح اخلاقی سیاست خود را به اثبات می‌رسانیم. به همین دلایل یاد شده، می‌توان گفت ما واقعا نمی‌دانیم چه بر سر ما می‌گذرد و صرفاً به تشویق جامعه برای آمدن به خیابان اکتفا می‌کنیم و این به هیچ وجه یک نمره قبولی برای مخالفان نیست. کاهش عدم اعتماد جامعه به اپوزیسیون نیز به همین مسئله مربوط می‌شود که دورنمایی از برنامه خود ارائه نداده و تمام عملکرد آن در پوشش و توصیف رویدادهایی بدیهی خلاصه شده است. حال اینکه مردم انتظار یک نوع هماهنگی و موویلزه شدن را

سرخوردگی داخلی شده، بلکه از اعتبار مخالفان نیز کاسته است و این مخالفان بدون اینکه یکبار برای همیشه به ضعف خود اعتراف کنند، سعی در تاکید بر دیکتاتور بودن حاکمیت دارند و این نیز، جز بدیهیات نیست. این کاملاً آشکار است که جمهوری اسلامی ماهیتی توتالیتاریانیستی دارد و ما باید فرض را بر این بگذاریم که این ماهیت محفوظ خواهد ماند، کما اینکه بیش از چهار دهه گذشته چیزی جز این امر را نشان نداده است. به همین جهت باید گفت، عبور از چنین قهقرایی جز با ارائه یک راهبرد که مطلوب تمامی مردم باشد امکان‌پذیر نیست.

شناختی است. برای نمونه، تحلیل موضع غرب در قبال برنامه مشکوک اتمی جمهوری اسلامی، با چرایی اتخاذ چنین موضعی دو سوال از اساس متفاوت است و گزارش اعتراضات روزانه با چرایی نیمه‌تمام ماندن و سرکوب شدن آن‌ها اساساً فرق دارد. هنگامی که ما می‌گوییم حاکمیت سرکوب می‌کند و تمایلی به تعامل با مطالبات ندارد، در واقع، تحلیل ما جز تکرار مکررات نیست. سوال اساسی این است که چرا حاکمیت قادر به سرکوب اعتراضات بوده است؟ این واقعیتی انکارناپذیر است که ما در مواجهه با آنچه ساختار

«اندیشیده شده» باشد. به این معنی که ما تمام الزاماتی را که یک وضعیت مطلوب را رقم می‌زند، پیش‌بینی کرده باشم. حال پرسش، چیستی و چگونگی خود این وضعیت مطلوب است. بسیار ساده می‌توان گفت، وضعیتی مطلوب خواهد بود که نخست از نگاه عمومی مفید باشد. به زبانی دیگر آنچه برای عموم مفید است، مطلوب نیز خواهد بود. در غیر این صورت بار دیگر بخشی از یک کلیت با بخش یا بخش‌هایی دیگر وارد تنازع و تضارب منافع می‌شود و این همان بیراهه خواهد بود که یحتمل به مقصدی جز استبداد راه نخواهد برد. وقتی از عموم سخن می‌گوییم

آموزش در سایه رژیم ولایت فقیه



یک مستنطق که روبه‌روی یکدیگر نشسته اند که از چند متر کفن لازم است برای میت از او پرسیده می‌شود تا ریزترین تبصره های قانون مدنی که یک حقوق دان خودش هم در دانستن بیشتر آنان عاجز است، بعد از گذر این امتحان الوهیت و به رسمی معلم شدن خوب دیده می شود که جایگاه منزلت این طبقه جامعه در کجا قرار دارد. در اصل مقصود همچون رژیمی موهن به معلم و جایگاه او است.

این تقریرات در واقع بخش خیلی کوچکی از دریای بیکران جنایات رژیم که در صنعت آموزش و پرورش که اجرا کرده و می کند، مسلک همچون نظامی ترفیع ارتجاع و ملال است که ماموریتش تنها ترسیم کردن جهانی پر از خونریزی ، افراط گرایی، پوچ گرایی، نشان دادن آینده‌ای بی ارزش، قلع و قمع، معقل کردن عقاید، نفیس جلوه دادن نعش متعفن جنگ و خونریزی و جنایت و قبیل آن که فقط خودش به وجود آورنده و متولد شده از همین‌ها است که می‌خواهد آینده ایران و منطقه را در همین راستا سوق دهد گر تحدیدی سر راه او نباشد.

تاریخی آنان پاک شود و در یک سردرگمی تیره بماند خودشان علنا قبول کنند بخشی از ملت فارس هستند و تنها یک قوم‌اند که در چهارچوب این کشور زندگی می کنند. اما بدین گونه نیست این نه تنها پارادوکس نیست که در سیستم آموزشی رژیم قرار دارد بلکه اصل حیاتی و ستراتیژی این نظام قبیح است که آگاهانه در تلاش است برای اجرایی این برنامه و برنامه‌های مافوق دگرش که میرا از هر گونه تفکر انسانی و بشری حتی حیوانات وحشی در سیستم اکوسیستم در مقابل طعمه هایشان آنقدر جنایت کارانه عمل نمی کنند.

اگر نگاهی مختصر هم بکنیم به جایگاه معلم با وضعیتی تاسف بار روبرو خواهیم شد که آگاهانه به منظور حقیر نشان دادن منزلت معلم عمل می کنند، هیچ معلمی در ایران وجود ندارد که شغل دوم نداشته باشد، حقوق کمی که در قبال خدمت گسترده‌ی آنان بهشان داده می شود ناچاراند که به شغل دومی و سومی روی آورند. مراحل گران تفتیشی که در گزینش روی آنان اجرا می شود، در واقع مانند یک تبهکار و

اینجا به میان آمد بدون شک کوردستان هم در آن یک قربانی است به درجاتی خیلی بیشتر از مناطق فارس نشین، در کوردستان جدا از همه این فاجعات یک اصل دیگر که رژیم یک ثانیه هم از آن باز نایستاده است تفریس کردن کوردستان است، ایجاد تغییر ترکیب جمعیتی در بعضی مناطق کوردستان به نفع ملت فارس از دیباچه اقدامات رژیم در قالب سیستم آموزش به آن پرداخته است. شاید پارادوکسی عجیب وجود داشته باشد که در سیستم آموزشی نظام جمهوری اسلامی ایران وقتی دیده می شود در مناطق فارس نشین به دنبال ترویج مطالباتی دینی و ترویج عدل مهدوی و فراهم کردن زمینه برای آمدن وی است و در مناطق دیگر که ملیت های دگر در آنجا وجود دارد علی‌الخصوص کوردستان، به دنبال ترویج فرهنگ فارسی کهن و ادعای ملت برتر در مقابل ملت های دیگر و همچنین نشان دادن آنان به عنوان یک قوم که عقبه ملت فارس هستند، در همین راستا تلاش برای خفه کردن هویت آنان و دفن کردن تاریخشان از سوی این رژیم است تا حافظه

در واقعیت رژیم جدا از پرورش فکری محصلان در قالب مقدسات نظام، به دنبال اصلی دیگر است آن هم دزدگی از عمل یادگیری دانش است. سیستم آموزشی به شیوه‌ای طرح شده گر محصل به افکار نجس نظام گرویده نشود حداقل از علم و دانش دوری کند و در دنیای عقب‌ماندگی آن فرد دست و پا بزند، در واقع موقعیتی دوگانه برای نظام از سوی دگر اگر فردی وارد این کارخانه‌ی شستشوی مغزی شود قطعا تمام تلاششان بر تربیت میل رژیم است که آن ماکن و ربات مطابق میل خودشان درست کنند، خوب آشکار است چنین کسانی در آینده جامعه نقش یک انگل را بازی خواهند کرد چونکه آنان زادگان رژیم تروپستی ولایت مطلقه فقیه هستند، و از طرفی دیگر انصراف از تحصیل هم به رژیم سود می رساند، کسانی در جامعه هستند که بی خبر از چپ و راست خودشان هستند حتی در تصمیمات زندگی شخصی خودشان با مشکل روبه‌رو می شوند، این هم خودش یک برگ برنده برای نظام است و از هر دو سو بهره می برد. همه‌ی این مبحث های که در

هست، می‌شود، اگر چه به هم ربط می دهند و آنان را ادغام می کنند و چیزی نوین تولید کردند که الان آن را به اجرا گذاشته‌اند.

اگر لایه‌های این مسئله را جزئی‌تر بررسی کنیم باید نگاهی به محتوای کتاب درسی بیندازیم، از یک دانش آموز ۷ ساله تا جوانی که فارغ التحصیل می شود، بچه‌ای که پا به مدرسه می گذارد تا آغوش خود را برای تحصیل و دانش باز کند در اولین برخوردش با مسائلی پوچ بی معنا مبرا از هر گونه علوم که منتج باشد برای بشریت روبه‌رو می شود. مثلا در کتاب های درسی پایه هفتم ترس از معاد و عذاب قبر و آرزوی رسیدن به بهشت مطرح شده است، یعنی چیزی که طفل باید یاد بگیرد این اعمال است، حرف زدن از دنیای دگر، معصیت، پاداش الهی که هنوز آن طفل در

معصومیت دارد دور میزند، او را در گناه نکرده به بند می کشند. در واقع آنان به دنبال یک جسم مطیع هستند، تبلیغات گسترده در مدارس برای عضویت در نهادهای بسیجی و غیره از ناچیز فعالی است که مرتجعان حاکم بر ایران برای آن بی وقفه در تلاش اند. ما در این جا به مصاحبه‌ی یک پسر بچه‌ای ۱۴ ساله که درجنگ میان ایران و عراق دهه‌ی ۶۰ از او فیلم گرفته شده اشاره می کنیم که می گوید «انگیزه‌ی من از آمدن به جبهه برای پاک کردن گناهان و معصیت‌ها و شهید شدن و رسیدن به درجه اعلی است».

صحیح است در آن زمان باگراوند فکری اجتماع شیوه‌ای جهادی به خود گرفته بود و شاید هم تاثیر فضای جامعه بیشتر از مدارس بود برای تشویق کردن این پسر بچه و خیلی های دیگر که به جبهه رفته‌اند ولی مدام رژیم خمینی نیتش از آموزش و پرورش ساختن از همین نوع بود برای سوخت قطار نظام ولایت فقیه لازم بوده است. ساختن سربازان متعهد نظام اصلی پر اهمیت برای رژیم است و نگاهش به سیستم آموزش در همین راستا قرار دارد.

امیر بنوخلفی

تعاریف زیادی از آموزش شده که مبهم و پیچیده و تا حدی نامشخص است ،در ساده ترین تعریف آموزش به معنای تعلیم ذهن و روح انسان که نیازی بانی برای بشریت است.

قطعا بعد از انقلاب ۵۷ تحولی بنیادین و بدیع از همه لحاظ در ایران صورت گرفت، واضح ترین آن تغییراتی ریشه‌ای که در سیستم آموزش و پرورش ایجاد شد. سران ارشد رژیم ولایت فقیه بعد از استقرار پایه های نظام، اولین سبیلی را که نشانه گرفته بودند سیستم آموزشی کشور بود، درج کردن ایدولوژی مذهبی نظام و تفکر خبیپ خودشان در متون درسی محصلان بود.

ساختن کارخانه‌ای که بعد از دوازده سال یک ربات مطابق به میل خودشان ساخته و پرداخته شده باشد ایجاد کنند، خواستی نجس که در رویای رسیدن به‌آن تلاش بی وقفه می کنند، برای همین دهه شست در ایران دهه‌ی واژگونی عمل و پیشرفت و دفن کردن آینده بود.

رژیم ولایت فقیه از همان اوایل به تغییر اساسی در نظام آموزش و پرورش پرداخت کتب درسی که تا آن زمان تا حدی براساس معیارهای جهانی آموزش بود به استخراج آن علوم از کنه کتاب های دروسی دست زد و علوم‌ی کاذب را جایگزین آن کرد، در قبل از انقلاب ۵۷ میزان دروس دینی ۴ تا ۷ درصد بود که الان هم در سطح جهانی بدین شیوه ادامه داشته است، ولی با سر کار آمدن این رژیم سریع این ارقام تغییر پیدا کردند به طوری که بحث های دینی در کتاب های درسی به بیش از ۲۵درصد رسید یعنی تقریبا یک چهارم متون درسی مربوط به مسائل دینی است، معهذا وقت زیادی هم صرف ایدلوژی های مخصوص نظام که خارج از چارچوب مسائل دین

ادامه صفحه ۲

شعارهای اخلاقی سابق خود انجام دهند.

در حقیقت وظیفه اپوزیسیون شعار حمایتی نیست، بلکه فراهم آوردن امکانیت یک همبستگی برای دستیابی به اهدافی فراگروهی است و دقیقا در چنین نقطه‌ای می‌توان ظرفیت‌های جریانات را برای گذار از استبداد ارزیابی کرد. به عبارتی دیگر، زمانی که ما برای دستیابی به یک هدف، خارج از مقاصد صرف سیاسی خود، قدم برمی‌داریم، سطح اخلاقی سیاست خود را به اثبات می‌رسانیم.

به همین دلایل یاد شده، می‌توان گفت ما واقعا نمی‌دانیم چه بر سر ما می‌گذرد و صرفا به تشویق جامعه برای آمدن به خیابان اکثفا می‌کنیم و این به هیچ وجه

عملکردی احساس نمی‌شود. طبق برآوردها، این احتمال که نیمی از جغرافیای ایران، خالی از سکنه شود؛ بیش از هر زمان دیگری وجود دارد و این تهدید با و بدون جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند.

با این توضیح می‌توان گفت، بازی کردن در زمین حاکمیت و عدم ارزش‌گذاری درست و اندیشیده شده، یک فاجعه زیست محیطی و به تبع آن، یک فاجعه انسانی را به دنبال خواهد داشت.

ساده‌ترین و عقلانی‌ترین توصیه به اپوزسیون‌نماها در چنین موقعیتی این است که به جای اشاعه تئوری توطئه و تداوم سیاست‌های جمهوری اسلامی، برای رهایی از این شرایط، برای یکبار، به ایجاد افقی روشن برای همگان در آینده، بیندیشند و حداقل اقدامی در جهت شعارهای اخلاقی سابق خود انجام دهند.

مختلف برآمده از تمامی گروه‌های فکری، سیاسی، ملیتی و مذهبی است. شاید بتوان گفت نمونه ورشکستگی آبی نمود بسیار روشنی از این وضعیت قهقرایی است. جایی که همه متضرر می‌شوند اما هرکدام صدایی غیرهمجنس برمی‌آورند.

چنین شریطی، خلا الگویی سیاسی، مبتنی بر اندیشه‌پرسی و اخلاق‌مداری را آشکار می‌سازد. در چنین خلا بزرگی، امثال نمایندگان مجلس کارتونی

حاکمیت، به عنوان مدعی‌العوم وارد عرصه می‌شوند و هریک، با جعل مقام نمایندگی، به مثابه مدافع حقوق مردم یک منطقه موضعی اتخاذ می‌کنند. در حقیقت این همان جایی است که باید اپوزیسیون نقش خود درایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی را ایفا می‌کرد، اما متأسفانه کوچکترین نشانی از چنین

خود قلمداد می‌کند، خطمشی امنیتی توتالیتاریانیستی جمهوری اسلامی را پیگیری می‌کند و سیاستی که اخلاق مدارا و همبستگی تمامی اقشار و گروه‌ها را دربرنگیرد، جز ارضای عقبه خود، اقدامی برای تحول و گذار انجام نداده است.

با این توضیح باید روشن باشد که مراد نگارنده دوری جستن از سنت سیاسی حاکم بر ایران و بازآفرینی نقش تمامی شهروندان از هر طبقه، ملیت، زبانی باشد.

این نوع سیاست‌گذاری بر تهییج و تشجیع بنیان نهاده شده، فی نفسه اندیشه‌گریز و چه بسا اندیشه‌ستیز است. عموم مردم بدون نیاز به چنین اقداماتی برای تحقق مطالبات خود، عمل خواهند کرد. پس وظیفه مخالفینی که خواهان یک آینده متعلق به همگان هستند؛ ایجاد یک آدرس سیاسی با اتکا به خواست و مطالبات

است. می‌توان گفت عدم تشکیل یک جبهه فراگیر ناشی از همین عدم درک صحیح است. جریاناتی که از هم‌اکنون تئوری توطئه را به عقلانیت ترجیح داده‌اند، نه تنها شریک جرم حاکمیت هستند بلکه با ایجاد یک صدای مخالف کاذب، تصویری جعلی را از مخالفان ارائه می‌دهند. تصویری که در اذهان جامعه باقی مانده و به زودی از بین نخواهد رفت. در واقع نبود اندیشه و اخلاق و تمرکز بر رویدادها برای جابجایی قدرت، این ذهنیت را - به درستی - ایجاد کرده است که مخالفان، تنها گروهی از حکام آینده هستند که پا جای پای حاکمیت کنونی می‌گذارند و این بزرگترین ضربه به تمامی ابعاد مبارزه در داخل و خارج خواهد بود.

اندیشه‌ای که موجودیت و حضور دیگری را به مثابه تهدید علیه

یک نمره قبولی برای مخالفان نیست. کاهش عدم اعتماد جامعه به اپوزیسیون نیزبه همین مسئله مربوط می‌شود که دورنمایی از برنامه خود ارائه نداده و تمام عملکرد آن در پوشش و توصیف رویدادهایی بدیهی خلاصه شده است. حال اینکه مردم انتظار یک نوع هماهنگی و موبیلیزه شدن را دارند که از یک آدرس مشخص و منسجم دریافت شده باشد.

مع‌الاسف، عدم درک این موضوع باعث شده است که نگرش‌های گروهی و سطحی، عمق فاجعه را لاپوشانی کند. البته این سیاست تبعات جبران‌ناپذیر دیگری را به موازات تداوم سلطه جمهوری اسلامی در پی داشته است. نابودی محیط زیست و ورشکستگی آبی، افزایش میزان مهاجرت، اعتیاد، بیکاری و کاهش امید و از همه مهمتر تنازل و یا افول اخلاقیات از جمله تبعات چنین عملکردی

شکست دور هفتم مذاکرات وین به دلایل نامعلوم



آرش صالح

توانسته است به آرامی حقایق موجود را تغییر دهد. به معنای دیگر این که رژیم توانسته است به آرامی سطح تکنولوژی اتمی خود را افزایش دهد که بازگشت آن سخت است. به همین دلیل پیشتر خط قرمز آمریکا بود و اکنون از این خط عبور کرده است. به همین دلیل رتوریک آمریکایی‌ها به پیشگیری از دستیابی رژیم ایران

تا حدودی روسیه افزایش دهد و این نشان می‌دهد دیگر مشکلات خاورمیانه برایش اهمیت گذشته را ندارد. در واقع اولویت کاری آمریکا ترخان سرمایه‌هایش برای رقابت با ابرقدرتها است نه خاورمیانه. اما این به آن معنی نیست که آمریکا این موضوع را کنار گذاشته بلکه می‌خواهد تمرکز سرمایه و نیرویش را به جای دیگری تغییر

ایجاد کند به همین دلیل مشکلات با رژیم ایران سر برآورد. اما این بار آمریکایی‌ها با نشان دادن چراغ سبز به اسرائیل برای زدن مکان‌های حساس و اهداف استراتژیک رژیم ایران در داخل و خارج از ایران در صددند تا حدود زیادی خلع موجود در منطقه به دلیل تمرکزشان بر چین و روسیه را توسط اسرائیل پر کنند. در

نزدیک شدن کشورهای عربی با یکدیگر و با اسرائیل و ترکیه یکی از تاکتیک‌هایی برای روبه‌رو شدن با رژیم ایران به نظر می‌رسد. در این مدت عربستان با عراق برای سرمایه‌گذاری بی سابقه‌ای در این کشور به توافق رسیدند. همچنین امارات متحده عربی با وجود مشکلات عمیق با رژیم بشار اسد، دفتر نمایندگی

دولت جدید این رژیم دولت تندرو و متفاوتی است و نیاز است راه حلی برای توافق با آن پیدا کرد سرگرم کند. در عین حال با حرکات ایزایی مخالفانش در منطقه را وادار به عقب نشینی و نفوذ را افزایش دهد یا به شیوهای جنگ کند که نفوذی را که تا کنون پیدا کرده از دست ندهد.

رژیم ایران با این شیوه هم وقت لازم برای پیشبرد هر سه برنامه منطقه‌ای، موشکی و اتمی خود را خریده است و هم مذاکرات را آن گونه نشان نمی‌دهد که شکست خورده به نظر آید. یکی از راههایی که می‌تواند در خرید وقت به رژیم ایران کمک کند تقسیم سوریه با روسیه است. در واقع روسیه تنها برای هدف قرار دادن رژیم ایران در سوریه به اسرائیل چراغ سبز نشان داده است. این به آن معنا است که برای روسیه مهم است که اسرائیل ارتش سوریه را هدف قرار ندهد. این وضعیت فشار زیادی بر رژیم ایران وارد کرده است. در عین حال با افزایش نقش اقتصادی کشورهای عربی با یکدیگر یکی از راهکارهایی برای روبه‌رو شدن با نفوذ رژیم ایران در منطقه است که دیپلماسی پشت پرده آمریکا در آن تماماً آشکار است. از طرفی دیگر رژیم ایران درصدد است جهانیان را با این فرض که

رژیم ایران درصدد است جهانیان را با این فرض که دولت جدید این رژیم دولت تندرو و متفاوتی است و نیاز است راه حلی برای توافق با آن پیدا کرد سرگرم کند. در عین حال با حرکات ایزایی مخالفانش در منطقه را وادار به عقب نشینی و نفوذ را افزایش دهد یا به شیوهای جنگ کند که نفوذی را که تا کنون پیدا کرده از دست ندهد.

خود را در دمشق افتتاح کرده است. همکاری همه جانبه و به ویژه افزایش همکاری اقتصادی کشورهای عربی با یکدیگر یکی از راهکارهایی برای روبه‌رو شدن با نفوذ رژیم ایران در منطقه است که دیپلماسی پشت پرده آمریکا در آن تماماً آشکار است. از طرفی دیگر رژیم ایران درصدد است جهانیان را با این فرض که

واقع استراتژیک اصلی اکنون آمریکا پر کردن خلع به وجود آمده از عدم حضورش با استفاده از بازیگران منطقه‌ای است. نتیجه چنین سیاستی این خواهد بود که دولت‌های منطقه در تامین امنیت منطقه و روبه‌رو شدن با رژیم ایران نقش بیشتری داشته باشند. این موضوع در کشورهای عربی هم تاثیرگذار خواهد بود. برای نمونه

دهد. پیشتر آمریکایی‌ها در زمان رئیس جمهوری اوباما و حتی در اولین سال ریاست جمهوری ترامپ امیدوار بودند که با توافق هسته‌ای منحل، رژیم ایران را به غرب نزدیک کرده و آرام آرام به بازیگر منطقه تبدیل کنند. اما این توافق نتوانست تغییری اساسی در رفتار رژیم ایران و هر آنچه که شیفت به غرب گفته می‌شود را

به سلاح اتمی تغییر کرده است. در واقع پیشتر موضوع تکنولوژی سلاح اتمی مشکل اصلی بود و اکنون این مشکل تغییر کرده و رژیم ایران توانسته است به آرامی میزان تحمل جهان نسبت به برنامه اتمی خود را افزایش دهد. از طرفی سیاست خارجی آمریکا سعی دارد تمرکز خود بر خاورمیانه را کاهش داده و آن را بر چین و

دور هفتم مذاکرات اتمی رژیم ایران با طرفهای حاضر در این مذاکرات در حالی به پایان رسید که کشورهای غربی نا امیدی خود را از جدیت رژیم ایران بیان کرده‌اند و رژیم ایران هم امیدوار است که توانسته باشد روی رادیکال دولت جدیدش را نشان داده باشد و جهان باید با این حقیقت کنار بیاید. اما در پشت این موضوع دو حقیقت خود را پنهان کرده‌اند که نیاز است مورد بررسی و تحلیل بیشتر قرار گیرند. یک اینکه دولت جدید آمریکا با وجود تهدیدات لفظی نشان داده است که در استمرار فشار بر رژیم ایران جدی نیست. دوم اینکه چگونگی تعامل با مشکل مذاکرات اتمی در رژیم ایران ارتباط کمی با دولت و رئیس جمهور جدید این رژیم دارد و تنها از استراتژیک کل تمامیت رژیم سرچشمه می‌گیرد. یکمین حقیقت یعنی جدی نبودن آمریکا در استمرار و افزایش فشار و تحریم‌ها موضوعی مهم است که از چند نکته نشأت می‌گیرد. یک اینکه رژیم ایران طی چند سال گذشته

همکاری دانشمندان هسته‌ای رژیم ایران با اسرائیل

شده استفاده کرده است. پیشتر نیز «یوسی کوهن» رئیس وقت «موساد» در گفت‌وگو با شبکه ۱۲ تلویزیون اسرائیل، جزئیاتی از سرقت اسناد اتمی رژیم ایران و یا ترور محسن فخری‌زاده را افشا کرده بود.

مقام‌های اسرائیلی این اقدام‌ها را بخشی از «طرح ج» کشورشان علیه رژیم ایران خوانده و تأکید دارند که این اقدام‌ها علیه برنامه اتمی رژیم ایران در آینده نیز ادامه خواهد داشت.

می‌کردند هیچ اطلاعاتی نداشتند. این نشریه گفته است، که «موساد» ظرف ۱۸ ماه سه عملیات متفاوت را طراحی کرده که در خود اسرائیل نیز هزاران کارشناس و نیروی فنی در اجرای آن سپیم بوده‌اند. این نشریه ادعا کرده است، که «موساد» در عملیات ۱۲ تیر ماه پارسال در سایت نطنز از مواد انفجاری که یک‌سال پیش از آن به صورت قطعه قطعه با پهباد منتقل و سپس همراه با مصالح ساختمانی در زیرزمین سایت مخفی

هفته‌نامه «جوئیش کرانیکل» روز پنجشنبه ۱۱ آذر نوشته است، که سازمان جاسوسی اسرائیل با استخدام ۱۰ دانشمند هسته‌ای ایران توانسته در کمتر از دو سال سه طرح خرابکاری در سایت‌های اتمی رژیم ایران را اجرایی کند.

به گفته این هفته‌نامه یهودی در بریتانیا دو انفجار در سایت نطنز با همکاری دانشمندان هسته‌ای رژیم ایران در داخل کشور انجام شده و آن‌ها از این‌که اهداف «موساد» را عملی

مشاور اسبق نخست وزیر اسرائیل:

آنچه در نطنز رخ داد تمام ماجرا نیست

شده است. پیشتر مقامات اسرائیلی نسبت به اقدامات مخفیانه هسته‌ای رژیم ایران هشدار داده بودند که در صورت کشف هر سندی دال بر فعالیت‌های مخفیانه هسته‌ای ایران، عملا اقدام خواهند کرد. سران رژیم ایران تاکنون در مورد حمله احتمالی اسرائیل هیچ موضعی را اتخاذ نکردند.

فارسی نوشت: «آنچه ساعاتی پیش در ایران رخ داد تمام ماجرا نیست. کمی صبر کنید، این مقدمه‌ای برای رویدادی بزرگتر است.»

به گفته شاهدان عینی به دنبال صدای مهیب، دود همه آسمان منطقه را فرا گرفت.

محل دقیق این حادثه در بادرود و در ۲۰ کیلومتری تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم در نطنز اعلام

بر اساس گزارش یکی از خبرگزاری‌های وابسته به رژیم ایران، شنبه ۱۳ آذر ۱۴۰۰ و راس ساعت ۲۰:۱۵ دقیقه به وقت تهران صدای مهیبی شبیه به انفجار در «نطنز» شنیده شد.

بعد از اعلام خبر صدای انفجار از سوی رسانه‌های وابسته به رژیم، «ایدی کوهن»، روزنامه‌نگار و مشاور سابق نخست وزیر اسرائیل در توییتی به زبان

فرستاده ویژه آمریکا به یمن:

رژیم ایران حامی اصلی حوثی‌ها است

در ادامه گفت: پروژه شبه‌نظامیان حوثی فرقه‌گرا و نژادپرستانه است و آن‌ها را متهم به نقض توافقات آتش‌بس کرد. اخیرا سخنگوی وزارت امور خارجه رژیم ایران ادعا کرده بود که ایران هیچ پایگاه نظامی و نقشی در بحران داخلی یمن ندارد.

گفت: این بحران نه تنها منطقه‌ای است، بلکه ناوبری جهانی را نیز تهدید می‌کند. در این کنفرانس همچنین «احمد عوض بن مبارک»، وزیر امور خارجه یمن نسبت به اقدامات مخربانه «حوثی‌ها» هشدار داد و افزود: رژیم ایران از حوثی‌ها برای رسیدن به منافع خود استفاده می‌کند. وزیر امور خارجه یمن

جمعه ۱۲ آذر ۱۴۰۰، «تیم لندرکینگ»، فرستاده ویژه آمریکا در امور یمن در کنفرانس گفتگوهای مدیترانه‌ای گفت: ایران حوثی‌ها را مسلح و آموزش نظامی می‌دهد و همچنین نقشی مخربی در بحران داخلی یمن دارد. «لندرکینگ» ضمن تأکید بر تعهد کشورش مبنی بر حل و فصل بحران یمن،

حسن نصرالله معترف به هزینه ۱۰ میلیون

دلار سوخت رایگانی شد که از ایران

دریافت کرده بود

شدت افزایش یافت. ارسال سوخت و سرمایه مردم ایران به گروه‌های همچون «حزب الله» گویای دخالت رژیم ایران در امور داخلی کشورهای منطقه و حمایت همه جانبه از تروریسم بوده که موجب بی‌ثباتی منطقه و نتیجتا اعمال تحریم‌های جامعه جهانی علیه ایران و ورشکستگی کامل اقتصاد این کشور بوده است.

قیمت یارانه‌ای به اعضا و هواداران خود فروختند. حزب‌الله واردات سوخت از ایران را از ماه سپتامبر آغاز کرد و برای پرهیز از تحریم‌های آمریکا، این سوخت را از «بندر بانیاس سوریه» با تانکر به داخل لبنان منتقل می‌کند. کمبود سوخت در لبنان در طی تابستان به اوج خود رسید، اما پس از آنکه دولت این کشور همه یارانه‌های سوخت را قطع کرد، قیمت سوخت به

جمعه ۵ آذر ۱۴۰۰، «حسن نصرالله»، دبیرکل حزب الله لبنان در سخنرانی تلویزیونی گفت، از ۱۰ میلیون دلار سوخت رایگان دریافتی از رژیم ایران، دو میلیون و ۶۰۰ هزار دلار از این سوخت به صورت رایگان در اختیار سازمان‌های مردم نهاد، شهرداری‌ها، بیمارستان‌های دولتی و سایر سازمان‌های وابسته به خود در «لبنان» قرار گرفته و معادل هفت و نیم میلیون دلار دیگر به

قطعنامه پارلمان هلند برای تحریم رژیم

ایران به دلیل استفاده از پهپادها برای

عملیات تروریستی در خاورمیانه

گرفتن اعمال تحریم‌های هدفمند ایالات متحده آمریکا علیه افراد و شرکت‌های رژیم ایران، از دولت هلند درخواست شده است با دیگر کشورهای اروپایی تحریم‌های مشابه علیه رژیم ایران به خاطر سیاست مخرب استفاده از پهپادها را اتخاذ کنند.

سپاه تروریست پاسداران رژیم ایران از دلایل تصویب این قطعنامه پارلمان هلند بوده است. تهدید فزاینده برای پرسنل نظامی هلند و کشتیرانی بین‌المللی در خاورمیانه به دلیل تکثیر پهپادها از سوی رژیم ایران از دیگر دلایل تصویب این قطعنامه بوده است. در این قطعنامه با در نظر

پارلمان هلند قطعنامه‌ای را برای تحریم رژیم ایران به خاطر تهدید پهپادی با ۱۳۱ رأی مثبت به تصویب رساند.

این قطعنامه از حمایت ۱۴ حزب هلند در پارلمان این کشور برخوردار شده است.

ارسال پهپادها به گروه‌های تروریستی مانند حزب‌الله، حماس و حوثی‌ها توسط

بریتانیا «حماس» را به فهرست

سازمان‌های تروریستی افزود

اروپا نیز حماس را به عنوان سازمان تروریستی معرفی کرده بودند. در واکنش به این اقدام دولت بریتانیا، «حماس» هشدار داده و آن را جنایتی علیه مردم فلسطین و تمام تاریخ و مجاهدات آن‌ها خوانده است.

با حکم زندان تا ۱۴ سال مواجه خواهند شد. بر اساس بیانیه اعلام شده این تصمیم پس از تصویب پارلمان بریتانیا صورت گرفته است.

بریتانیا از سال ۲۰۰۱ گردان‌های «عزالدین قسام، شاخه نظامی حماس» را ممنوع اعلام کرده بود. پیشتر آمریکا و اتحادیه

جمعه ۵ آذر ۱۴۰۰، وزارت کشور بریتانیا در بیانیه‌ای تمامیت حماس را به عنوان «گروه تروریستی» معرفی کرد. وزارت کشور بریتانیا ضمن تروریست معرفی کردن «حماس»، هشدار داده است که اعضای حماس و کسانی که به جلب حمایت برای آن‌ها می‌پردازند،

یک پهباد جاسوسی رژیم ایران در

«کوه‌رنگ» سقوط کرد

وزارت خزانه‌داری آمریکا پیشتر دو شرکت ایرانی «اوج پرواز ما دو نفر» و «کیمیا پارت سیوان» را که به ترتیب مهم‌ترین تأمین‌کنندگان موتور و سامانه‌های ناوبری پهپادهای نیروهای سه‌گانه سپاه تروریست پاسداران هستند را تحریم کرده بود.

به سقوط این پهباد هیچ موضعی را اتخاذ نکردند. رژیم ایران از پهپادهای ساخت خود برای جاسوسی، بمب باران و حملات انتحاری استفاده می‌کند.

پیشتر نیز سپاه تروریست پاسداران با پهباد انتحاری به ارتفاعات «به‌ربه‌زین» کوردستان عراق به بهانه حضور نیروی پیشمرگ کوردستان حمله کرده بود.

طبق ویدئوهای منتشر شده در فضای مجازی، یک پهباد جاسوسی رژیم ایران که در حال گشت زنی بر آسمان شهرستان «کوه‌رنگ» بود، سقوط کرد.

به گفته شاهدان این پهباد در روستای «میه» شهرستان «کوه‌رنگ» از توابع استان چهارمحال و بختیاری سقوط کرده است. تاکنون سران رژیم نسبت

هدف قراردادن این گذرگاه‌ها و خود فرودگاه است.

پس از شروع جنگ داخلی «یمن» رژیم ایران با حمایت همه جانبه از «حوثی‌ها» همچون سوریه و لبنان این کشور را نیز اشغال و به پادگانی بزرگ برای پیشبرد سیاست‌های جنگ طلبانه خود تبدیل کرده است.

پوشش بین‌المللی فرودگاه صنعا سوءاستفاده کرده و با شلیک موشک و پهپاد از این فرودگاه، شهروندان غیرنظامی و تاسیسات شهری را مورد هدف قرار می‌دهند.»

ائتلاف اشاره کرد که پایگاه نظامی «الدیلمی» از طریق گذرگاه‌های زیرزمینی به فرودگاه صنعا مرتبط است و تأثیرگذاری حملات ائتلاف به پایگاه مذکور نیازمند

یکشنبه ۷ آذر ۱۴۰۰، «ائتلاف عربی»، حامی دولت قانونی «یمن» اعلام کرد: «فرودگاه صنعا توسط سپاه تروریست پاسداران رژیم ایران و حزب‌الله لبنان به پایگاهی نظامی برای حملات فرامرزی تبدیل شده است.»

«ائتلاف عربی» در بیانیه‌ای تأکید کرد که «حوثی‌ها با کمک سپاه تروریست پاسداران و حزب‌الله از

نمایی از پایمال کردن حقوق بشر در کوردستان ایران در نیمه اول آذرماه با استناد به آژانس خبرسانی کردستان، (کردپا)

کشته و مجروح شدن کولبران و کاسبکاران



روز پنجشنبه یازدهم آذرماه، دو کولبر کرد بر اثر شلیک نظامیان حکومتی در مرز نوسود زخمی و به مراکز درمانی منتقل شدند.

شامگاه روز سه‌شنبه نهم آذرماه، یک کولبر کرد به نام «عادل علی‌پور» فرزند علی اهل روستای «سرسول» از توابع بانه بر اثر شلیک نظامیان حکومتی جان باخته و یک کولبر دیگر به نام «یاسین امین‌پور» اهل روستای «سرسول» نیز زخمی شده است.

شامگاه روز سه‌شنبه نهم آذرماه، یک کولبر کرد به نام «فریدون محمدی» ۳۳ ساله فرزند حسین اهل روستای «گویزلی» از توابع بانه بر اثر شلیک مستقیم نظامیان حکومتی زخمی شد.

شامگاه روز یکشنبه هفتم آذرماه، یک کولبر کرد به نام «سید عزالدین بایزیدی» فرزند سید حسین اهل روستای «باوله» از توابع پیرانشهر بر اثر شلیک نظامیان حکومتی زخمی شد.

روز پنجشنبه چهارم آذرماه، دو کولبر به نام‌های «میلاد احمدی» اهل ثلاث باباجانی و «احسان حبیبی» اهل مریوان بر اثر شلیک نظامیان حکومتی در مرز نوسود زخمی شدند.

روز پنجشنبه چهارم آذرماه، یک کولبر کرد به نام «نیهاد محمدپور» ۲۵ ساله فرزند عبدالله اهل روستای «ژاراژی» از توابع منطقه مرگور ارومیه بر اثر شلیک نظامیان حکومتی زخمی شد.

شامگاه روز پنجشنبه چهارم آذرماه، دو کولبر کرد به نام‌های «پوریا ویسی» و «فریاد ویسی» بر اثر شلیک نظامیان حکومتی در مرز نوسود زخمی شدند.

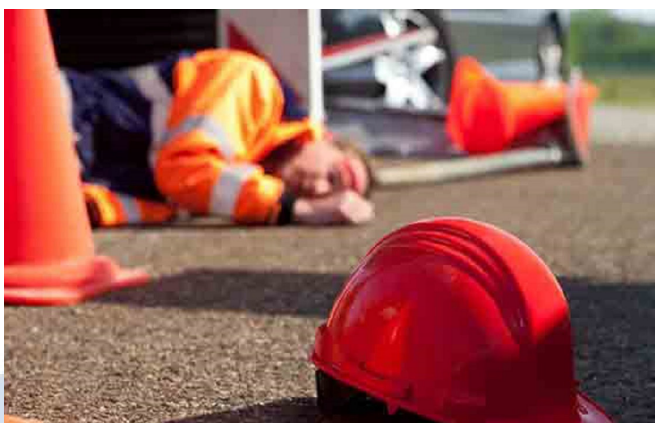
بامداد روز دوشنبه یکم آذرماه، یک کولبر کرد به نام «سعدی رحیمی» اهل روستای «جانوره» از توابع مریوان بر اثر شلیک نیروهای نظامی حکومت ایران در مرز نوسود زخمی شد.

شلیک نظامیان حکومتی به شهروندان



روز جمعه دوازدهم آذرماه، یک شهروند به نام «حبیب رستمی» ۳۰ ساله فرزند گل نظر اهل روستای «فرمانشاه» ساکن قصر شیرین بر اثر شلیک نظامیان حکومتی در مرز پرویزخان این شهرستان جان خود را از دست داد.

حادثه کار



روز دوشنبه هشتم آذرماه، یک کارگر کرد به «بهمن محمد کریمی» ۳۱ ساله اهل مهاباد بر اثر سقوط از ارتفاع در حین کار جان خود را از دست داد.

روز شنبه ششم آذرماه، یک کارگر کرد به نام «صلاح خالیدی» فرزند سعید بر اثر سقوط به لاگون هوادهی تصفیه‌خانه فاضلاب مهاباد جان خود را از دست داد.

انفجار مین



روز دوشنبه یکم آذرماه، یک سرباز کرد به نام «هیرش تابان» فرزند سلیمان اهل روستای «شملکان» از توابع ارومیه در پی انفجار مین به شدت زخمی و از ناحیه پا دچار نقص عضو شد.

خودکشی زنان و مردان



روز جمعه دوازدهم آذرماه، یک شهروند به نام «کیار صحت» فرزند خلیل ساکن روستای «گردوان» از توابع منطقه مرگور ارومیه با اقدام به خودسوزی به زندگی خود پایان داد.

روز جمعه پنجم آذرماه، یک شهروند زن به نام «لاله شهیدی» ۲۵ ساله فرزند محمد اهل شهرستان بانه با اقدام به خودکشی به زندگی خود پایان داد.

روز پنجشنبه چهارم آذرماه، یک دختر جوان به نام «ژاله صحرایما» ۲۰ ساله فرزند سعدالله اهل شهرک «زیوه» از توابع منطقه مرگور ارومیه به دلیل شدت جراحات وارده ناشی از سوختگی در بیمارستانی در ارومیه جان خود را از دست داد.

بازداشت شهروندان



روز یکشنبه چهاردهم آذرماه، یک شهروند کرد به نام «زانکو مسعودی» ۲۲ ساله فرزند رسول اهل روستای «ملقرنی» از توابع سقز از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

روز یکشنبه هفتم آذرماه، یک سرباز کرد به نام «کاروان محمدی‌آذر» فرزند ابراهیم اهل مهاباد از سوی اطلاعات سپاه پاسداران در ارومیه بازداشت شد.

شامگاه روز چهارشنبه دهم آذرماه، یک شهروند زن به نام «چینی شریفی‌بوکانی» ۳۶ ساله فرزند عمر اهل شهرستان بوکان از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد.

روز چهارشنبه دهم آذرماه، یک نوجوان ۱۶ ساله به نام «شهرام منگور» اهل روستای «کانی رهش» از توابع شهرستان اشنویه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد.

روز شنبه بیست و دوم آبان‌ماه، یک شهروند کرد به نام «محسن احمدزاده» فرزند رستم اهل روستای «کوسه کهریز» از توابع مهاباد پس از احضار به دادگاه انقلاب این شهرستان دوباره بازداشت و به زندان منتقل شده است.

انتقال شهروندان به زندان



بامداد روز یکشنبه چهاردهم آذرماه، دو شهروند به نام‌های «سعدی منبری» ۲۶ ساله فرزند عثمان و «سیامک آرنک» ۲۶ ساله فرزند یدالله اهل روستای «نییهر» از توابع سنندج از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

روز پنجشنبه یازدهم آذرماه، یک شهروند کرد به نام «عبدالرحمان افشار» اهل روستای «نی» از توابع مریوان از یکی از بازداشتگاه‌های امنیتی مریوان به زندان این شهرستان منتقل شد.

روز پنجشنبه یازدهم آذرماه، یک شهروند کرد به نام «عبدالرحمان اشتک» اهل روستای «نی» از توابع مریوان با پایان مراحل بازجویی از یکی از بازداشتگاه‌های امنیتی به زندان این شهرستان منتقل شد.

دو فعال مذهبی به نام‌های «ماموستا بهروز براخاص» و «هوشنگ چمن‌بر» اهل شهرستان بوکان با اتمام مراحل بازجویی از بازداشتگاه اداره اطلاعات ارومیه به زندان مرکزی این شهر منتقل شدند.

روز شنبه بیست و نهم آذرماه، یک شهروند کرد به نام «امیر بایزیدی‌آذر» فرزند مصطفی اهل روستای «لج» از توابع مهاباد جهت اجرای حکم به زندان این شهرستان منتقل شده است.

روز دوشنبه هشتم آذرماه، یک شهروند کرد به نام «قاسم عزیزیان» ۲۸ ساله فرزند رسول اهل روستای «لج» از توابع مهاباد جهت اجرای حکم به زندان این شهرستان منتقل شد.

روز چهارشنبه سوم آذرماه، یک شهروند کرد به نام «حسین رحمانی» فرزند امیر اهل شهرستان جوانرود از یکی از بازداشتگاه‌های امنیتی در نقده به زندان این شهر منتقل شد.